

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره چهاردهم ، شماره پنجاه و دوم ، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

صفحات: ۱۱۸-۱۳۵

نگاهی به رویکردها نسبت به اشتغال زنان با تاکید بر نظام خانواده در حقوق ایران و اسلام

نویسندگان:

زهره سادات حامدی^۱، *، فاطمه زهرا اربعه^۲، زهره مداح^۳

چکیده

از جمله موضوعات مهم در حوزه‌ی زنان و خانواده، وضعیت و جایگاه اشتغال زنان و تمهیدات سیاستی، قانونی و برنامه‌ای اندیشیده شده برای آن، جهت تحقق وضعیت مطلوب نظام سیاست گذاری است. بی شک محتوا و چگونگی پرداختن نظام سیاست گذاری به این موضوع، یکی از عوامل تأثیر گذار در تعیین وضعیت و جایگاهی مطلوب برای آن به شمار می‌رود. بر این اساس، پژوهش حاضر، درصدد بررسی سیر تحولات سیاست گذاری در حوزه اشتغال زنان و تأثیر آن بر نهاد خانواده است. در این راستا، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، متن کلیه‌ی سیاست‌ها و قوانین مصوب در نهادهای اصلی سیاست گذار و قانون گذار در دوران پیش از انقلاب و از آن مهم‌تر جمهوری اسلامی ایران از طریق احصاء و تبیین مقولات و موضوعات مورد توجه در این سیاست‌ها و قوانین و هم چنین رویکردهای حاکم بر آن‌ها بررسی شد. آنچه در اینجا مورد اهتمام است ضمن بررسی سیر تحولات قوانین مربوط به اشتغال زنان، تأثیری است که بر فرزندان و همسر می‌گذارد. با این حال، بسیاری از سیاست‌های کلی که در مورد اشتغال زنان وضع شده است، فاقد پشتوانه جهت عملیاتی شدن بوده و لذا در حد شعار باقی مانده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلید واژه ها : حقوق زنان، اشتغال، خانواده، حقوق ایران

۱ : کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد سمنان ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان - zahra.privatelaw75@gmail.com
۲ : دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی ، واحد سمنان ، دانشگاه آزاد اسلامی - zahra.arbae77@gmail.com
۳ : کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی - madahzohre942@gmail.com

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در این کشور دارا می‌باشند. اکنون نگاه جهان، بیشتر به سوی زنان معطوف شده است زیرا امروزه برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع فرایند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنان چه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت. نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. (هادیزاده، ۱۳۸۵)

با نگاهی گذرا به روند تحولات جامعه اسلامی ایران طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی موید این واقعیت می‌باشد که هر چند در طول دهه‌های اخیر به واسطه بروز مسائل و مشکلات گوناگون خاصه وقوع جنگ تحمیلی، کشور ما در مسیر رشد و توسعه خود با چالش‌ها و موانع متعددی روبرو بوده است، لیکن اهداف و آرمان‌های محوری آن هرگز دستخوش تغییر نشده و برنامه ریزان و مسئولان همواره بر اساس ارزشهای دینی-اعتقادی حاکم، در راستای تحقق کامل آنان تلاش کرده‌اند. یکی از اهداف والای نظام، استقرار عدالت اجتماعی می‌باشد. در همین راستا نیز ارتقای جایگاه زنان در جامعه و بهبود شاخص‌های توسعه انسانی از جمله آرمان‌های نظام طی برنامه‌های ملی قرار گرفته است. به گفته مورخین یونانی و رومی در ایران، زنان در جامعه و خانواده از تساوی حقوق برخوردار بوده و در کسب علم و حرفه، مردان را بر زنان مزیتی نبوده و زنان در کلیه شئون اجتماعی راه داشته‌اند. یافته‌های دوران هخامنشیان به عنوان نمونه لوحه گلی شماره ۵۲ تخت جمشید در منطقه تبریز که یکی از مراکز مهم زره سازی در دوران خشایار شاه بوده نشان می‌دهد که ۱۲ کارگر مرد، ۱۴ کارگر زن، ۱۸ کارگر پسر و ۱۵ کارگر دختر در ساخت زره در یک مکان مشارکت داشته‌اند. نوشته‌های پروفیسور پوپ حاکی است که هنر بافندگی نیز ساخت دست زنان بوده است. اکتشافات باستان شناسان شوروی در تپه پازیریک نشان دهنده پیشرفت صنعت بافندگی و قالی بافی در عهد هخامنشیان بوده است که تقریباً در انحصار زنان بوده است. (رهبری شندی، ۱۳۸۰)

ظهور دین اسلام موجب تغییراتی در مقام اجتماعی زن گردید. به گفته شهید مطهری مخالفان هم لااقل این اندازه اعتراف دارند که قرآن در عصر نزولش گامهای بلندی به سود زن و حقوق انسانی او برداشته است. (مطهری، ۱۳۸۱)

این دین امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نشده است بلکه اصل مساوات انسان هارا درباره زن و مرد رعایت کرده است. این تساوی حتی در خلقت و آفرینش زن و مرد در

این دین مشاهده می‌شود. (سوره اعراف، آیه ۱۸۹) نظام جمهوری اسلامی ایران که با عنایت به آموزه‌های اسلامی و توجه به نقش و جایگاه مردم و هم چنین بسط عدالت، رفع مظلومیت و ظلم در جامعه تأسیس شده است، توجه ویژه‌ای به مسائل زنان داشته و در این راستا باید به این نکته توجه شود که خانواده محفلی است روحانی که اگر همه‌ی اعضا موظف به وظایف خود و متعهد بر رعایت حقوق دیگران باشند، به تجلی گاه اراده‌ی حق، مظهر یگانگی و توحید عملی خواهد شد. زن در این محیط است که می‌تواند در سایه‌ی جهاد اکبر، زمینه تعالی خود، تربیت فرزندان و نسل‌های توحیدی را فراهم آورد. آشنایی و پایبندی به تعهدات حقوقی و اخلاقی خانه با هر محیط دیگر متفاوت است و خانواده متمایز از هر مرجع دیگری است. در زمان‌های گذشته رسم چنین بود که زن در منزل به خانه داری و مرد نیز در بیرون از منزل به کسب و کار مشغول بوده است و این نمونه بارز یک خانواده آرمانی بود. نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین در بیانات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مشاهده می‌گردد، درک ارزش و جایگاه انسانی زن و کوشش در جهت ارتقای سطح کیفی زندگی زنان جامعه، از اهم وظایف دولت اسلامی بوده است. به این ترتیب نظام اسلامی فارغ از دیدگاه‌های افراطی و تفریطی، موظف به اعتدال و توجه به شخصیت و کرامت انسانی زن در جامعه می‌باشد. از این وجه، زنان در برخورداری از حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همانند مردان بوده و تفاوت‌های فطری و طبیعی میان زن و مرد که موجب ایفای نقش‌ها و تکالیف متفاوتی توسط ایشان می‌شود، آن‌ها را از برخورداری از حقوق انسانی مشترک با مردان محروم نخواهد ساخت. این پژوهش در صدد بررسی تحولات حمایت از حقوق زنان در زمینه اشتغال از یک سو و از سوی دیگر تأثیری است که بر نهاد خانواده بر جای می‌گذارد. بر این اساس ضمن تحقیق به ارائه طرح مسئله، بیان اهداف اصلی و جزئی از انجام این پژوهش و طرح سؤالاتی که در طول این پژوهش، محقق درصدد پاسخ گویی به آن بر خواهد آمد پرداخته شده است.

۱- ادبیات و پیشینه پژوهشی:

-ابراهیمی (۱۳۹۲) در این مقاله بر آن است تا سیاست‌های اشتغال زنان، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران را در مقایسه با حقوق بین الملل مورد بررسی قرار دهد. لذا در این راه به عملکرد سازمان بین المللی کار و سازمان ملل متحد در قلمرو اشتغال زنان و حمایت‌های حقوقی و بین المللی آن از طریق تهیه و تنظیم اسناد و معاهدات بین المللی و برگزاری کنفرانس‌های بین المللی حقوق بشر پرداخته است. همچنین قوانین بین المللی با قانون اساسی و قوانین عادی کشور ایران مقایسه شده و وضع سیاست‌های کلی و خاص اشتغال زنان، از جمله زنان سرپرست خانوار و زانه خانه دار مورد توجه قرار گرفته و اثر سیاست گذاری‌های مکمل در ایجاد دگرگونی در نظام اشتغال

زنان بررسی شده است. با مطالعه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران درباره اشتغال زنان می‌توان دریافت که وضعیت زنان، دست کم در عرصه وضع قوانین، بهبود یافته و در صورت اجرای دقیق بیمه زنان خانه دار، افزایش زمان مرخصی زایمان مادران به نه ماه و همسر آنان تا دو هفته، همچنین بیمه فرزندان چهارم و بعد از آن و با در نظر گرفتن مهدکودک برای مادران شاغل، ساعت شیردهی و پیگیری مستمر بر اجرای آن می‌تواند بهبود و ارتقای وضعیت را به همراه داشته باشد.

۲- فسائی و خادمی (۱۳۹۴) در مقاله حاضر برآنند که به بررسی اشتغال زنان که یکی از حوزه‌های مهم مورد توجه در وضعیت اجتماعی آنان بوده است، بپردازند. درک اشتغال زنان بدون اتخاذ رویکردی تاریخی و توجه به تحولاتی که در این حوزه رخ داده است، امکان پذیر نیست. نگاهی تاریخی به اشتغال زنان نشان می‌دهد که در کلیه جوامع یک نوع تقسیم کارمبتنی بر جنس وجود داشته است، اما ویژگی زنان، به منزله افراد خانه دار غیر مولد، پدیده‌ای است که در مراحل سرمایه داری صنعتی نمود پیدا کرده است. یکی از پیامدهای مهم صنعتی شدن تغییرات مهمی بود که در حوزه جدایی کار از خانه اتفاق افتاد. محل کار به منزله حوزه‌ای برای رقابت، عقلانیت، دستاورد و کیفیت‌های دیده می‌شود که به مردان به عنوان ساکنان اصلی این قلمرو نسبت داده می‌شود و برعکس، خانه به منزله حوزه‌ای برای پرورش، اطاعت و کارهای خانگی دیده می‌شود و عمدتاً به زنان نسبت داده می‌شود. در بررسی پژوهش‌های موجود، از بعد از انقلاب تا کنون، همواره شاهد تکرارچند مساله مشخص مانند میزان حضور کمی زنان در اشتغال، گروه‌های شغلی زنان در طیف‌های مشاغل اولیه و ثانویه و برخی مشکلات زنان شاغل بوده‌ایم که علت این مساله را می‌توان اینگونه عنوان کرد:

۳- زعفرانچی (۱۳۸۸) کتاب او مجموعه از مقالات و گفتگوها در حیطه اشتغال زنان است. یکی از عرصه‌های تحول زندگی اجتماعی در عصرجدید، تغییرات و تحولات در زندگی زنان است. این تغییرات و تحولات، دامنه وسیعی از تغییر باورها و انگاره‌های اجتماعی درباره زنان تا تغییر نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را دربرمی گیرد. اما اشتغال زنان، در میان این تحولات اهمیت و نقش ویژه‌ای دارد. یکی از وجوه اهمیت موضوع اشتغال زنان، تاثیرات عینی و مشهود آن در عرصه اجتماعی از یک سوی و عرصه‌های فردی از سوی دیگر است. این ویژگی مهم موجب شده است اشتغال زنان به مقوله‌ای تبدیل گردد که ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی دارد. بدیهی است مواجهه اثرگذار و حکیمانه با چنین موضوعی مستلزم نگاهی جامع الاطراف و چند وجهی به آن است. نظریه پردازان، پدیده اشتغال زنان را از ضرورت‌های جامعه مدرن دانسته‌اند. بدیهی است این سخن به معنای آن است که تحولات و تغییرات در برخی مفاهیم و ساختارهای اجتماعی، الگوها و نقش اجتماعی زنان را دست خوش تغییر کرده است. به بیان دیگر، اشتغال زنان افزون بر این که پدیده‌ای چند وجهی است، از ساختارهای روبنایی اجتماعی نیزبه شمار می‌آید،

درنتیجه، پژوهش، مدیریت و برنامه ریزی برای اشتغال زنان بدون توجه به سلسله علل و عوامل اثرگذار بر آن امکان پذیر نیست. در عین حال، اشتغال زنان، مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، پیامدها و تاثیرات اجتماعی خاص خود را دارد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت، توجه به تاثیرات پدیده‌های اجتماعی است. مروری هرچند اجمالی بر پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع اشتغال زنان گویای این نکته است که در غالب این پژوهش‌ها به سه ویژگی فوق یا برخی از آنها توجه نشده است. در برخی پژوهش‌ها با تاکید بر نقش اشتغال زنان در توسعه اقتصادی و افزایش درآمدهای ناخالص ملی، عملاً بر وجه اقتصادی اشتغال زنان تمرکز، و از ساحت‌ها و وجوه دیگر آن غفلت شده است. گو اینکه بیشتر پژوهش‌های ناظر به مسئله اشتغال زنان توسط دپارتمان‌های اقتصاد صورت می‌گیرد.

۴- کتاب «اشتغال زنان»، به کوشش لیلا سادات زعفرانچی، با هدف تاکید بر دغدغه‌های مزبور تهیه شده است. هدف اصلی در این مجموعه آن بوده است که متخصصان در حوزه‌های اقتصاد، جامعه شناسی، مطالعات دینی و... ابعاد گوناگون این پدیده اجتماعی را به بحث گذاشته و ادبیات موجود را در این موضوع تا آنجا که ممکن است پیش ببرند. این کتاب که مجموعه‌ای از مقالات گوناگون در زمینه اشتغال زنان است، به سفارش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و توسط دفتر مطالعات و تحقیقات زنان تهیه شده است.

۲- مفهوم مختصر حقوق و خانواده:

لغت نامه دهخدا معانی متعددی برای این واژه ذکر می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است: راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن، ثابت شدن، غلبه کردن به حق، موجود ثابت و نامی از اسامی خداوند متعال است. (دهخدا، ۱۳۷۷) معنای اصطلاحی حق: حق عبارت است از اقتداری که قانون به افراد می‌دهد تا عملی را انجام دهند. آزادی، عمل، رکن اساسی حق در این تعریف می‌باشد؛ یعنی آدمیان در انجام یا عدم انجام عمل آزادند. (امامی، ۱۳۹۳) هرگاه انسان تنها دور از اجتماع در نظر گرفته شود حق یا حقوق عنوان پیدا نمی‌کند، تعیین حقوق و تکالیف برای افراد منوط به بودن آن‌ها در جامعه و زندگی اجتماعی آنهاست. نیکوکار از بدکار یا ظالم از مظلوم در اجتماع و در برخورد انسانها با یکدیگر مشخص می‌شوند. اگر این رابطه در جامعه تحت نظم و قانون درنیاید بی‌نظمی و اختلال حکمفرما شده و امنیت و آسایش عمومی سلب خواهد شد، حقوق عهده دار تنظیم این امور و تأمین نظم و زندگی سالم انسان در اجتماع است. معانی حقوق: حقوق مجموعه قواعد و مقرراتی است که روابط اشخاص را در جامعه در قبال یکدیگر تعیین و تنظیم می‌کند، حقوق جمع کلمه حق است. حق قدرت و اقتداری است که صاحب حق می‌تواند آن را نسبت به مورد حق اعمال و از تجاوز دیگران حفظ نماید. (مثل حق مالکیت) دانشی است که از

قواعد موضوعه بحث می‌کند. (مثل دانشکده حقوق) تشریح قواعد موضوعه و برطرف کردن نقاط ابهام آن توسط اهل فن. تعریف کلی حقوق عبارت است از مجموعه مقررات حاکم بر جامعه و افراد و تشکیلات و سازمانهای آن جهت برقراری امنیت و نظم عمومی. (کاتوزیان، ۱۳۹۸) شاید به نظر برسد که مفهوم ((خانواده)) از مفاهیمی بسیار روشن و همه فهم است، به گونه‌ای که عامه مردم، اعم از کوچک و بزرگ و باسواد و بی سواد، همه آن را می‌فهمند و نیازی به تعریف آن نیست، ولی آن قدرها ساده هم نیست. وقتی به منابع واژه شناسی مراجعه کنیم، می‌بینیم تعاریف گوناگونی از آن شده و صاحب نظران بر اساس تخصص و نیازشان، هرکدام تعریفی از ((خانواده)) ارائه داده‌اند. برخی خانواده را یک سازمان اجتماعی دانسته، بعضی روابط خویشاوندی همخونی را اساس تشکیل خانواده تلقی کرده‌اند، عده‌ای دیگر عامل اقتصادی و گروهی نیز عوامل روانی و جنسی را سبب پیدایش آن قلمداد کرده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۹۸) خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند. (میرابی زاده یزدی، ۱۳۹۱) خانواده از نظر لغوی: خاندان، اهل خانه، اهل بیت. خانواده از نظر اصطلاحی: خانواده، نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن شکل می‌گیرد و با تولیدمثل، توسعه می‌یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهمترین عامل تکامل جامعه بشر است و از این رو، اسلام که برنامه‌ی تکامل انسان است برای تأسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت ساز و پیشگیری از فروپاشی آن، رهنمودهای بسیار مهمی ارائه کرده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹)

۳- اشتغال زنان از منظر اسلام

اشتغال در اصلاح فقهی به معنی کسب یا مکاسب است و کسب در لغت به معنای آن چیزی که انسان ندارد و آن را به دست می‌آورد، اعم از این که مال یا غیرمال باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷) در اسلام میان زن و مرد از نظر حقوق انسانی هیچ تفاوتی وجود ندارد و هیچ گونه امتیازی برای مردان نسبت به زنان، در این مورد مطرح نیست. اسلام اشتغال را برای زن هدف نمی‌داند، گرچه ممنوعیتی هم برای اشتغال بانوان لحاظ نکرده است. درآموزه‌های دینی، مسئولیت تأمین اقتصادی خانواده بر عهده مرد است و زنان هیچگونه مسئولیتی در برابر اقتصاد خانواده ندارند و فرهنگ اسلامی به دلیل اولویتی که برای تربیت فرزند قائل است و نقش تربیتی و پرورشی مادر را بی نظیر می‌داند، اشتغال زنان را در صورت تعارض با این نقش تأیید نمی‌کند. (بستان، ۱۳۸۹: ۷۸)

از طرفی، در فرهنگ اسلامی با تشریع سهم الارث، مهر و نفقه و حق مطالبه اجرت در مقابل کارهای خانگی، بر استقلال اقتصادی زن تاکید شده و احکام تصرف اموال منقول و غیرمنقول و سایر شئون تابعه آن از تجارت، عطیه و بخشش، و... مزارعه، باغداری، مساقات، ضمان، عاریه، و

صیت و واگذاری اموال به اشخاص، شفعه، قراردادهای بازرگانی و...، جعاله و احیای موات، برای زنان به رسمیت شناخته شده و تبعیضی بین زنان و مردان در این حقوق وجود ندارد. (نوری، ۱۳۸۵: ۶۴)

اسلام به کار و اشتغال اهمیت زیادی می‌دهد و در قرآن مجید آیات بسیاری در این مورد آمده است. شغل، نه فقط وسیله‌ای برای تأمین معاش و گذران زندگی دنیایی است، بلکه دارای نقش و تأثیر بسزای تربیتی هم هست و موجب اعتمادبنفس و وجود آمدن حس بی‌نیازی از دیگران و استقلال شخصیت فرد می‌شود. از نظر قرآن، شغل مفید و شایسته (عمل صالح) فقط در عبادات و اعمال مربوط به آخرت نیست، بلکه هر کاری که برای فرد و خانواده مفید باشد و در راستای منفعت عمومی باشد، مورد تأیید بوده، مأجور و مثاب است. (سلیمانی، ۱۳۹۰) از نظر اسلام، زنان در تأمین اقتصاد خانواده مسئولیتی نداشته و تأمین نیازهای مالی و اقتصادی آنان وظیفه شوهر است و نفقه زن در ازدواج دائم بر عهده مرد می‌باشد. نفقه شامل محل سکونت، خوراک، لباس و سایر امور وابسته به آنهاست که باید با توجه به زندگی زن و فرزندان و شرایط زمانی و اجتماعی تهیه شود. صداق یا مهریه نیز بر عهده مرد است و زن با ازدواج، مالک تمام آن می‌شود و می‌تواند آن را از همسر خود مطالبه کند. زن در امور اقتصادی خانواده هیچ مسئولیتی نداشته؛ هرچند درآمد زیادی داشته باشد. مسئولیت اساسی او، همراهی در روابط مناسب در زندگی خانوادگی است. به همین دلیل تأکید زیادی بر نقش مادری و همسری زنان شده است. روایات زیادی از معصومان بیان شده که مردان را به تأمین معاش خانواده تشویق می‌کند. برای مثال پیامبر اکرم (ص) تلاش مردان برای کسب روزی حلال خانواده را معادل جهاد در راه خدا متعال می‌داند: «(مردی که برای زن و بچه‌اش به دنبال مال حلال است، مانند رزمنده در جبهه است)». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳: ۵) در حالیکه چنین تعبیری در مورد زنان دیده نمی‌شود. به مردان نیز همواره تأکید شده تا در پرداخت نفقه و تأمین مخارج زنان دست و دل‌باز باشند. اسلام، اشتغال زنان را حق آنان می‌داند. از دیدگاه فقهی، در اصل عدم حرمت اشتغال زنان تردیدی وجود ندارد. کتاب، سنت و سیره رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بیان‌کننده‌ی آن است که زنان می‌توانند عهده دار برخی مشاغل و کارها گردند. از این رو، نگرانی‌های احتمالی برای به خطر افتادن امنیت اجتماعی زنان، نباید موجب صدور حکم مطلق حرمت اشتغال زنان باشد. حرمت اشتغال زنان با احراز شرایط حرمت حداکثر می‌تواند از باب طریقی لحاظ شود نه موضوعی. (حکیم پور، ۱۳۸۴: ۲۱۴) در قرآن کریم که به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع شناخت احکام اسلامی محسوب می‌شود، هیچ آیه‌ای به طور صریح بر ممنوعیت اشتغال زنان دلالت نمی‌کند. قرآن جواز مالکیت و اشتغال را برای زنان، طبق آیه سی و دوم از سوره نسا: «(برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است)». به رسمیت شناخته، چرا که کسب، اعم از عمل اختیاری مانند صنعت یا حرفه است که صاحب منفعت مالی یا غیرمالی می‌کند و مفسران‌شان نزول این آیه را مربوط به مسائل

مالی زنان و مردان یاد کرده‌اند. (عاقبتی، ۱۳۹۳) قرآن مجید هیچگونه تبعیض انسانی بین زن و مرد قائل نشده است. (نورحسن فقیده، ۱۳۷۹: ۵۷) در قرآن نیز به نمونه‌هایی از اشتغال زنان برمیخوریم که با توجه به نوع بیان مطالب در قرآن، مشخص است که هدف قرآن از آوردن داستان، معرفی شخصیت‌هاست، نه اشخاص و... قرآن کریم از دختران شعیب در حال انجام کار اقتصادی یاد می‌کند و حیای آنان را در حین انجام کار بیان می‌کند.

۴- ادله مخالفان اشتغال زنان:

طرفداران عدم جواز اشتغال زنان معتقدند که در منابع دینی اسلام، برماندن و کارکردن زن در خانه تاکید شده است. پس لازمه کار در خانه، محدودیت زنان از اشتغال است. آن‌ها برای اثبات نظریه خود دلایلی را بیان می‌کنند که عبارتند از: قرآن کریم: خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: «در خانه‌هایتان قرار گیرید و زینت خود را به مردان بیگانه ظاهر نسازید مثل جاهلیت پیشین». این آیه از ظاهر ساختن زینت نهی می‌کند؛ اشتغال در بیرون از منزل، موجب آشکارشدن زینت زنان می‌شود. از این رو، اشتغال در بیرون از منزل نهی شده است. در سوره احزاب آیه ۵۳ نیز آمده است: هنگامی که از همسران پیامبر چیزی خواستید، از پشت حجاب و مانعی از ایشان بخواهید که این کارتان برای دل‌های شما و دل‌های ایشان پاکیزه‌تر است. این آیه دلالت دارد بر اینکه زنان در خانه باشند و بیرون از خانه رفت و آمد نکنند. روایات: دلیل دیگر قائلین به عدم جواز اشتغال زنان، روایاتی است که به طور مستقیم از اشتغال و سرپرستی زنان نهی کرده است. برخی از این آیات و روایات عبارتند از: پاسخ حضرت زهرا (ع) به پیامبر اکرم (ص) که پرسید: «کدام لحظه زن به خدا نزدیکتر است؟» پیامبر اکرم (ص) فرمود: «لحظه‌ای که زن در پستوی خانه می‌ماند و به شوهرداری و تربیت فرزندان می‌پردازد». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۲) از امام صادق (ع) نقل شده است که رسول خدا (ص) کارهای داخل منزل را به حضرت فاطمه (ع) و کارهای بیرون را به حضرت علی (ع) سپرد. حضرت زهرا (ع) بعد از این تقسیم بندی فرمود: «خدا می‌داند که چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت». (دشتی، ۱۳۷۲: ۱۶۸) حضرت فاطمه (ع) فرمود: «برای زنان بهتر این است که مردان را نبینند و مردان هم آنان را نبینند». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱) روایاتی که بیان می‌کند نماز زن در خانه، از شرکت او در مساجد برای اقامه نماز جماعت یا جمعه برتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۵)

این دستور از طرف شارع در حالی است که نماز در مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه فضیلت بسیاری دارد. با وجود تاکید زیاد بر رفتن به مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه و ثواب فراوان آن، ولی حضور زن در این جماعات به دستور دین نهی شده است. این مطلب به خوبی نگرش دین نسبت به حضور زن در اجتماع را تبیین می‌کند و روشن است که اشتغال زن در خارج از خانه

مهم‌تر از مسجد رفتن و اقامه نماز جمعه و جماعت نیست. مگر در موارد اضطرار که حرمت آن برداشته می‌شود، همانطور که بقیه محرمات نیز چنین می‌باشد. (العبدلخانی، بحرینی، ۱۳۹۴) لازمه این ادله آن است که زن شاغل نباشد، وگرنه این ادله، دلالت مستقیم بر عدم اشتغال زنان ندارند. افزون بر این، درخانه ماندن به معنای بیکار بودن نیست، بلکه تربیت فرزند، رسیدگی به امور داخل خانه و... چنان وقت گیر است که در عمل زن مجبور است در خانه بماند.

۵- ادله موافقان اشتغال زنان:

در برابر دیدگاه قبل، موافقان افزون بر پاسخگویی به دلایل مخالفان، به بررسی مستقل جواز اشتغال زن در بیرون از خانه پرداخته‌اند. در ادامه، دلایل نقضی و اثباتی موافقان بیان شده است. دلایل نقضی: ادله نقضی از آیات قرآن: برتری مرد نافی اشتغال زن نیست. زن و شوهر در خانواده می‌توانند به آرامش واقعی و امنیت روحی برسند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «از نشانه‌های اوست که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.» (روم، ۲۱)

این هسته اولیه جامعه بشری، مثل هر جمع دیگری، هنگامی می‌تواند به حیات سالم خود ادامه دهد که از نظام خاصی برخوردار باشد. این امر در پرتو حقوق و وظایف افراد آن؛ یعنی زن و شوهر تأمین خواهد شد. از طرف دیگر در هر جمعی، گاه اختلاف نظرهایی پیدا می‌شود. در چنین مواردی، اگر کسی که توانایی تصمیم‌گیری بهتری دارد، رئیس جمع برگزیده شود و همه ملزم به پیروی از او باشند، مشکل حل می‌شود. از طرف دیگر، پیدایش هر جمع، بعضی مسئولیت‌های جمعی را بوجود می‌آورد که باید شخص خاصی آن‌ها را انجام دهد. چنین فردی باید اختیارات ویژه‌ای داشته باشد. با توجه به این امور، خداوند بلندمرتبه مردان را رئیس خانواده قرار داده و فرموده است: مردان سرپرست زنان‌اند؛ زیرا خداوند برخی از ایشان را بر برخی برتری داده است و به دلیل آن که مردان از اموالشان خرج می‌کنند. پس زنان درستکار، فرمانبردارند، به پاس آنچه خدا حفظ کرده، اسرار شوهران خود را حفظ می‌کنند. (نساء، ۳۴) در این آیه، برتری مردان بر زنان در خانواده، حکم الهی شمرده شده که مستند به حکمت ربانی است. البته علامه طباطبایی از این آیه، سرپرستی عمومی مردان را نسبت به زنان در حوزه‌ای وسیع‌تر از خانواده مانند حکومت و قضاوت نیز می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۳۰ ه.ق: ۳۶۵)

همچنین در این آیه، وظیفه تأمین مالی خانواده بیان شده است؛ یعنی اگر مردان رئیس خانواده‌اند، مسئولیت سنگین اداره مالی آن را نیز بر عهده دارند. ریاست بدون اطاعت معنایی ندارد و آیه شریفه، زنان صالح را فرمانبردار همسر معرفی می‌کند که اسرار آنها را حفظ می‌کنند، همانگونه که خداوند حافظ ضعف‌های ایشان است. علامه طباطبایی درباره این آیه گفته است که سرپرستی مرد

نسبت به زن خود، به این معنی نیست که اراده زن و تصرفاتش در آن چه مالک آن است، نافذ نباشد و به این معنا نیست که زن در حفظ حقوق فردی و اجتماعی خود و دفاع از آن و رسیدن به آن، با مقدماتی که دارد، مستقل نباشد. بلکه معنای آن اینست که باید زنان در هرچه مربوط به کامجویی جنسی و بهره مندی زناشویی است، مطیع همسران خود باشند و در نبود آنها به ایشان خیانت نکنند و حریم عفاف خویش را نگهدارند و نسبت به اموال و هرچه در زندگی زناشویی در اختیار آنهاست، امین و درستکار باشند و سو استفاده‌ای از آنها نکنند. (طباطبایی، ۱۴۳۰ ه.ق: ۳۶۶)

پس به نظر علامه، سرپرستی مردان نسبت به زنانشان مانع از بهره مندی زنان از حقوق فردی و اجتماعی و استقلال در حفظ و دفاع از این حقوق و تصرف در اموال و املاکشان نیست. علامه در جای دیگری سنت نبوی را شاهی بر این تفسیر داند که زنان در نظر اسلام، از هیچ حق فردی و اجتماعی منع نشده‌اند و می‌توانند فعالیت‌های مختلف اجتماعی اعم از اقتصادی و فرهنگی داشته باشند. (طباطبایی، ۱۴۳۰ ه.ق: ۳۶۹) پس، ریاست مردان در خانواده به معنای سروری و برتری نیست. بلکه مردان مسئول حفظ مصالح خانواده، انجام وظایف خانوادگی و پاسداری از حریم خانواده‌اند. خداوند دلیل این ریاست را دو امر دانسته است: برتری که خداوند به آنها داده است: «...به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده است... (نسا، ۳۴)» «...مردان بر آنان درجه برتری دارند...» (بقره، ۲۲۸) وجوب نفقه بر آن‌ها «...و نیز به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند...» (نسا، ۳۴) یعنی نوع مردان (نه تک تک آنها) با نوع زنان تفاوت‌هایی دارند که اقتضا می‌کند مرد ریاست خانواده را بر عهده داشته باشد. از سوی دیگر، وظیفه سنگین اداره مالی خانواده بر عهده شوهر است و این نیز دلیل دیگری برای ریاست مرد در خانواده است.

باید توجه داشت که زن در ازای مشکلات اقتصادی خانواده و هزینه‌های آن هیچ مسئولیتی ندارد، هرچند از نظر اخلاقی پسندیده است که در این کار مشارکت کند. عبارت «(بما انفقوا من اموالهم؛ به دلیل آنکه مردان از اموالشان خرج می‌کنند)» نیز به واقعیت خارجی اشاره نمی‌کند، بلکه به ظرف اعتبارات شارع و صفحه قانون شرع توجه دارد؛ یعنی به این معنا نیست که چون در حال حاضر، مردان هزینه زنان و خانواده را می‌پردازند، ریاست دارند و اگر روزی روال تغییر کرد و زنان اینکار را به عهده گرفتند، ریاست برای آنان باشد. بلکه به این معناست که چون تأمین هزینه بر آنها واجب است، از دیدگاه شرع ریاست با آنان است. همچنین باید توجه کرد که عبارت «... (زیرا خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده، زیرا از اموالشان خرج می‌کنند)». علت ریاست مردان را بیان می‌کند، نه حوزه این ریاست را. با استناد به آیات ۳۴ سوره نسا و ۲۲۸ سوره بقره، گرچه برای مردان درجه و فضیلتی نسبت به زنان ثابت می‌شود، این موجب نفی اشتغال زنان نیست. منظور از «(فضل)» در آیه ۳۴ سوره نسا و «(درجه)» در آیه ۲۲۸ سوره بقره، برتری مردان بر زنان به حسب طبع و ذات آنان است؛ زیرا مردان از نظر قدرت تعقل و تفکر بر زنان برتری دارند و بر همین اساس، تکالیف آنها نیز

متفاوت از تکالیف زنان است و کارهای سخت و طاقت فرسا بر عهده مردان قرار داده شده است. (طباطبایی، انصاری قرطبی، ۱۴۰۵:ق:۱۲۵)

۶- رویکرد توانمند سازی زنان در اجرای سیاست‌های اشتغال زنان:

بر اساس این رویکرد توانمند سازی یک زن، به این معنی است که وی برای انجام برخی از کارها، توانایی جمعی پیدا می‌کند. این امر، به رفع تبعیض میان زنان و مردان، منجر می‌شود یا در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه، مؤثر واقع می‌شود. (دفتر امور زنان ریاست جمهوری، ۱۳۷۲) در این رویکرد افزایش آمار اشتغال زنان به عنوان معیاری برای رفع تبعیض مورد توجه است و هسته اصلی تفکرات در حوزه اشتغال زنان مشارکت برابر زنان در دستیابی به اشتغال برابر بود که این فرصت‌های برابر تنها از طریق برنامه‌های توانمند سازی امکانپذیر بود. لذا بر اساس این رویکرد است که در برهه‌ای از زمان در برنامه سوم توسعه شاهد توانمندسازی زنان در حوزه تحصیلات به منظور حضور در مشاغل گوناگون هستیم. چنان که رئیس مرکز امور زنان ریاست جمهوری وقت، زهرا شجاعی در خصوص ضرورت نیاز زنان جامعه به تحصیلات و اشتغال معتقد بود: چنانچه قرار است جامعه‌ای به توسعه دست یابد، نیازمند استفاده از تمامی نیروی انسانی فعال است و زنان به عنوان نیمی از افراد یک جامعه لازم است در این مسیر مشارکت کنند. مطابق این نظر مشارکت زنان در امر توسعه نیازمند توانمند سازی آنان است. (استیری و تفضلی و سلطانی، ۱۳۹۸:۱۵۹)

اولین برنامه‌ای که به رویکرد جنسیتی پرداخته است برنامه سوم است که با نگرش سیاست گذاران مبتنی بر باور مشارکت بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی همراه بوده است، لذا نسبت به دو برنامه پیش توجه به وضعیت بانوان به گونه‌ای روشنتر مطرح گردید. در برنامه سوم با توجه به رویکرد دولت اصلاحات در مباحث سیاست‌های آموزش و اشتغال تلاش‌ها به گونه‌ای در راستای برابری جنسیتی صورت می‌گرفت و تلاش دولت و مرکز امور مشارکت زنان، به کارگیری ایده سیاست گذاران در جهت توانمندسازی زنان در حوزه بهداشت و آموزش بوده است. چرا که آموزش زنان به عنوان ابزار رشد و ارتقای سرمایه انسانی به شمار می‌آید. در بند ب ماده ۱۵۸ آمده است: طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش بینی شده در این قانون، متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به منظور تصویب به هیات وزیران ارائه کند. همانگونه که در برنامه سوم توسعه مشاهده گردید رویکرد توانمند سازی زنان، آموزشی است چرا که بر اساس مبانی فکری توسعه‌ای افزایش نرخ زنان تحصیل کرده می‌تواند به عنوان فرصتی قلمداد شود که زمینه‌ای برای رشد هر چه بیشتر آنان را فراهم آورد. اغلب کشورهای پیشرفته، کم و بیش برای آموزش اجباری به ویژه آموزش عالی یارانه می‌دهند چرا که معتقدند آموزش باعث می‌شود افراد شانس و بخت یکسان داشته باشند. زنان به

عنوان نیمی از نیروی انسانی مولد باید از آموزش عالی برخوردار باشند، که در این صورت می‌توانند به تناسب صحیح و منطبق با نیازهای توسعه، تخصص‌های ضروری در بازار کار را کسب کنند. همچنین برای تصدی مشاغل کلیدی و احراز خبرگی برای مشارکت در تحقق اهداف برنامه توسعه ملی برخورداری از آموزش عالی لازم است. (حقیقت‌گو، ۱۳۸۴: ۲۸۲)

آموزش به عنوان ابزاری شناخته می‌شود که مهمترین کاربرد آن تواناسازی زنان است و این رسالت در بیانیه آموزش عالی قرن ۲۱ به کارکردهای دانشگاهی اضافه شد و این موضوع در ایران هم جنبه اجرایی به خود گرفت به طوری که نرخ ورود زنان به دانشگاه‌ها از ۳۱ درصد در ابتدای انقلاب به ۵۱ درصد در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ افزایش یافت و در نهایت در دوره اصلاحات میزان باسوادی زنان به ۸۱ درصد و میزان پوشش تحصیلی دختران به ۹۷ درصد رسید. این رقم رشد چهاردرصدی، حاصل برنامه مشترک میان مرکز امور مشارکت زنان و آموزش و پرورش بود. در سال ۱۳۸۴ هم در برنامه توسعه چهارم بیش از ۴۳ بند و ماده و عبارت راجع به زنان وجود دارد که نوعی جریان سازی جنسیتی را می‌نمایند. از جمله مواد مربوط به مشارکت و اشتغال زنان در این برنامه می‌توان به ماده ۱۱۱ و تاکید آن بر گسترش فرصت مشارکت زنان در کشور، ارتقا مهارت‌های شغلی و افزایش کارایی زنان از طریق دوره‌های آموزشی ضمن خدمت (ماده ۵۴)

«تساوی دستمزد مرد و زن در برابر کار هم ارزش» برابری فرصت‌ها برای زن و مرد و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های اشتغال مناسب به واسطه طرح «برنامه ملی توسعه کار شایسته» (ماده ۱۰۱) اشاره کرد. مهم‌ترین دغدغه در این برنامه مشارکت اجتماعی زنان و تقویت نقش آنان در جامعه است و برنامه چهارم بر اساس جنسیت و توسعه تهیه شده و به سمت حساسیت جنسیتی و سیاست تبعیض مثبت حرکت نموده و برخی از مواد این برنامه از سند پکن گرفته شده است. در برنامه چهارم توسعه مهم‌ترین دغدغه، موضوع اشتغال زنان و ارتقای جایگاه اقتصادی آنان در جامعه است بنابراین می‌توان گفت که در این دوره دولتها با تکیه بر رویکرد توانمندی موارد ذیل را دنبال می‌کردند. (۱) تاکید بر نقش مستقل زن در جامعه و خانواده؛ (۲) توانمندسازی زنان و ارتقا کیفیت زندگی زنان؛ (۳) استفاده از تفکرات نواندیشی دینی در تبیین ساختار خانواده و نقش زنان؛ (۴) ایجاد برابری جنسیتی در حوزه مشارکت اقتصادی؛ (۵) وارد ساختن گفتمان‌های بین المللی و جهانی در خصوص تبیین جایگاه زنان در جامعه. به دنبال تدوین برنامه‌های توسعه سوم و چهارم و توجه به اشتغال زنان، با نگاه توانمندسازی در حوزه آموزش و به دنبال آن افزایش تحصیلات، می‌بینیم که نه تنها با افزایش اشتغال زنان مواجه نیستیم بلکه ارزیابی آماری مرکز آمار ایران نشان می‌دهد روند کل اشتغال کشور طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ نشان دهنده افزایش میزان اشتغال کل از ۸۶.۹ درصد به ۸۷.۵۵ درصد می‌باشد اما این روند در مورد اشتغال زنان حاکی از کاهش میزان اشتغال زنان از ۸۵.۶ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۸۰.۲۳ درصد در

سال ۱۳۸۶ است در واقع این روند کاهشی حاکی از این است که میزان دستیابی زنان به اشتغال، متناسب با رشد تحصیلات آنان نبوده است و دستیابی زنان به مدارج بالاتر تحصیلی منجر به مشارکت بیشتر، اشتغال و طیف وسیعتری از مشاغل برای آنها نشده است. (گائینی، ۱۳۸۵: ۱۹۰) و در نهایت اینکه در برنامه سوم و چهارم توسعه رشد تحصیلات با رشد اشتغال هماهنگ نبوده و پیامد افزایش تحصیلات در یک دهه اخیر باعث افزایش مطالبه برای اشتغال و آمار بیکاری شده است. (امینی، ۱۳۹۵: ۱۳۵)

۷- اشتغال زنان و برنامه ششم توسعه:

دولت یازدهم رویکرد توسعه بر مبنای جنسیتی را یکی از نکات مورد توجه در فرایند برنامه ریزی خود قرار داده است. یکی از مهم‌ترین اصول در فرایند برنامه ریزی توسعه بر مبنای جنسیت، توانمندسازی مردم به طور عام و توانمندسازی زنان به طور خاص است که باید در کانون برنامه‌های توسعه هر کشوری قرار گیرد و ظرفیت‌های لازم در این زمینه پدید آید. در این شرایط است که قابلیت‌های نهفته زنان فرصت ظهور خواهد یافت و دامنه انتخاب آنها برای مشارکت هر چه بیشتر در فرایند توسعه بیشتر می‌شود. زمانی که زنان توانمند شوند، مشارکت آنان برای فعالیت و نقش آفرینی در فرایند توسعه بیشتر خواهد شد. (رمضانی، ۱۳۹۵: ۷۸) دولت یازدهم برنامه ششم توسعه را فرصت مغتنمی می‌داند که به تحقق توسعه‌ای متوازن کمک می‌کند. این دولت معتقد است، در پیش گرفتن مشی تعامل و گفتگو شرایط را برای ایفای نقش‌های چندگانه زنان در خانه و جامعه فراهم می‌کند. با این نگاه نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زن و مرد، مدیریت‌ها، بازارکار و نیز کار و زندگی زنان نیازمند توازن و تعادل جنسیتی است وضعیتی که در آن مشارکت همه جانبه زنان و مردان در همه عرصه، توسعه کشور را به ارمغان آورد. دولت یازدهم با نگاه توانمندسازی در جهت تسری عدالت جنسیتی وارد عرصه سیاست گذاری برای جامعه شد. (نژادبهرام، ۱۳۹۵)

در این رویکرد افزایش آمار اشتغال زنان به عنوان معیاری برای رفع تبعیض مورد توجه است و هسته اصلی تفکرات در حوزه اشتغال زنان مشارکت برابر زنان در دستیابی به اشتغال برابر است، افق چشم انداز این دولت تلاش در تحقق تعادل و توازن جنسیتی در تمام جنبه‌های زندگی: تصمیم سازی و تصمیم گیری، سیاست گذاری، دسترسی به منابع و خدمات، گسترش قدرت انتخاب و برخورداری از منافع توسعه انسانی پایدار و دسترسی متوازن به منزلت، قدرت، ثروت و اطلاعات، معرفی شده است. (قابل دسترسی به سایت مرکز امور زنان ریاست جمهوری، ۱۳۹۴) اشتغال و توسعه کارآفرینی با استفاده از ظرفیت‌های بخش دولتی و خصوصی به ویژه برای بانوان از برنامه‌های این دولت اعلام گردیده است. (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۳/۱۲/۷)

در برنامه ششم توسعه خط مشی دولت در رسیدن به اشتغال پایدار زنان افزایش توانمندی‌های زنان در حوزه‌های مدیریتی، کارآفرینی و اشتغال است و تلاشها در راستای کاهش نرخ بیکاری زنان با اولویت تحصیل کرده‌ها و افزایش کمی زنان در پست‌های مدیریتی و قانون گذاری است. در برنامه ششم توسعه بر حق اشتغال زنان و ایجاد فرصت‌های اشتغال خارج از سیستم دولتی تاکید شده است. این رویکرد بر خود اتکایی و خود اشتغالی زنان تاکید دارد و تلاش می‌کند با ایجاد زمینه برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید زنان را به آن سمت هدایت کند. از آنجا که ظرفیت سازمانهای دولتی جوابگوی حجم عظیم زنان جویای کار نیست، معاونت امور زنان ریاست جمهوری در سند سیاستی اجرایی اشتغال پایدار که به شورای عالی اشتغال ارسال نمود چهار پیشنهاد سیاستی را در حوزه اشتغال زنان مطرح نمود در این سند چهار محور زنان مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی، زنان کارگر در مشاغل سخت، زنان در بازار کار غیر رسمی و مراکز کارایی بخش غیر دولتی مورد بررسی قرار گرفته و به شورای عالی اشتغال جهت اجرا پیشنهاد شده است. دولت یازدهم (روحانی) بر اشتغال و برابری جنسیتی تاکید دارد و بر این اساس در سیاست‌های خود در حوزه اشتغال زنان به دنبال برابری فرصت‌های شغلی، نوع مشاغل و سطح پرداخت برای مقدار کار مساوی است. از موضوعات مهم دیگری که در امور زنان این دولت، پیگیری شد و در دولت دوازدهم دنبال گردید دست پیدا کردن زنان به ۳۰ درصد از پست‌های مدیریتی است. بررسی‌ها در سیاست‌های اشتغال زنان در دولت یازدهم نشان می‌دهد آنچه که در این دولت رخ داده غلبه نگاه سیاسی است. دولت یازدهم رویکرد توانمندسازی با نگاه برابری جنسیتی را که در اهداف توسعه پایدار (۲۰۳۰) است دنبال می‌کند. این دولت بیشتر از آنکه متأثر از نگاه اقتصادی در حوزه اشتغال زایی باشد و مشارکت حقیقی زنان را در امر اقتصادی مدنظر قرار دهد با نگاه سیاسی به این مسئله پرداخته و حتی آنجا که به مشارکت زنان در امر اقتصادی می‌پردازد به دنبال زمینه سازی برای افزایش مشارکت سیاسی زنان است. دولت اعتدال در تشخیص صحیح و جامع مسئله اشتغال زنان و ابعاد مترتب بر آن دچار نوعی شتابزدگی شده و مسیر تمامی سیاست‌ها در یک فضای بی سامان و غیر هدفمند دنبال می‌شود چرا که اکنون شاهد عدم تحقق اهداف اشتغال زایی زنان هستیم. طبق بررسی‌های مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، جمعیت زنان بیکار طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ از ۸۳۰ هزار و ۹۹۶ نفر به بیش از یک میلیون و ۳۷ هزار نفر افزایش یافته که از افزایش ۲۰۰ هزار نفری این جمعیت در این فاصله زمانی حکایت دارد. (ایسنا، ۱۳۹۵) این روند کاهشی نشان دهنده عدم کارایی برخی سیاست‌های اشتغال زایی در این دولت است.

۸- رویکرد خانواده محوری در اجرای سیاست‌های اشتغال زنان:

در روند سیاست گذاری اجتماعی مقصود از خانواده محوری مهندسی جامعه و نهادهای اجتماعی با محوریت خانواده است اصطلاح خانواده محوری برای اولین بار در سند نقش مهندسی فرهنگی کشور به کار گرفته شده است. (هدایت نیا، ۱۳۹۵: ۲۰۴) در این سند با تاکید بر لزوم معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان (قطب خانواده محوری) چنین آمده است: تبیین و ترویج الگوی خانواده تراز جمهوری اسلامی ایران و گفتمان سازی و معرفی ج.ا.ا به عنوان قطب خانواده محوری. بدین ترتیب مقصود از خانواده محوری در حقوق داخلی ج.ا.ا، هماهنگ سازی تمامی اقدامات ملی با نیازها و مصالح کلان خانواده است. لذا با توجه به تاکیدات در این خصوص در قوانین بالادستی مبنی بر اجرای سیاست‌ها بر اساس رویکرد خانواده محوری برخی دولتها با این اولویت در حوزه اجرای سیاست‌ها اقدام نمودند و در برنامه‌های اجرایی خود در موضوع اشتغال زنان به منظور عدم آسیب به حوزه خانواده نگاه حمایتی را در پیش گرفتند و این گفتمان در تلاش بود با اجرای سیاست‌های حمایتی از زنان شاغل و زنان خانه دار تسهیل گری را محقق سازد. لذا در همین دوران در سال ۱۳۷۱ بود که «سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران» تدوین شد. در این برنامه از دستگاه‌های تبلیغاتی و سیاسی خواسته شده بود، طوری عمل کنند که زمینه ساز حضور زنان در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی، خدماتی و تولیدی و اصلاح بینش نسبت به اشتغال آنان و ضرورت حضور زنان در مرحله رشد و دوران سازندگی باشد و تلاش برای تغییر نگرش نیروهای سنتی نسبت به اشتغال زنان در این دوره مورد توجه قرار گرفت. چنان که مطابق ماده ۲ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی، نه تنها اشتغال، حق زنان است، بلکه لازمه تحقق (عدالت اجتماعی) و «تعالی جامعه» است و در مواد (۴) و (۵) آن نیز بر فراهم آوردن شرایط مطلوب و تسهیلات لازم برای زنان در جهت ایفای وظایف مادری و کاری تاکید نموده است. (آل کجباف، ۱۳۸۵: ۲۱) همچنین منشور حقوق و مسئولیتهای زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، با الهام از شریعت جامع اسلام و نظام حقوقی آن و با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال و با هدف تبیین نظامند حقوق و مسئولیتهای زنان در عرصه‌های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی تدوین گردیده است و در این منشور با بهره گیری از نظریات اسلام روند حمایتی از زنان شاغل و غیرشاغل در دستور کار برنامه‌های زنان قرار گرفت.

نتیجه گیری:

در نگرش توحیدی اسلام، رسالت تاریخی زنان به معنای حضور آنان در تغییر ارزش‌ها، و ارتقای تفکرات و تعالی رفتار عمومی جامعه به شمار رفته و مسائل زنان نیز تنها به مسائل حقوقی آنان آن

هم در قبال مردان محدود نمی‌شود بلکه زنان باید خود را عنصری مؤثر در تغییر ارزش‌ها، باورها و اخلاقیات جامعه بدانند. برخلاف تفکرات دیگر، از منظر اسلام زن صرفاً به خود دعوت نشده است و به رعایت مصالح خود توجه نمی‌کند بلکه به کمال عمومی جامعه و مشارکتی که می‌تواند در دستگیری از افراد جامعه و حتی در سطح جهانی و فرا ملی دعوت شده است. که اگر این مه تحقق نیابد، زن مسلمان از تکامل گرایی باز مانده و به تدریج فاسد شده و جامعه را نیز با چالش مواجه می‌کند. خانواده هم چنین در این نوع نگرش توحیدی به عنوان مهم‌ترین عنصر نظام اجتماعی و هسته بنیادی تحولات آن به شمار رفته و نهاد فعال جامعه ساز به شمار می‌رود. بنابراین علاوه بر نقش مستقیم زن در تحولات اجتماعی، زن به عنوان محور کلیدی نهاد خانواده، نقش بی نظیری را در انتقال تکامل گرایی به افراد خانواده و با واسطه به جامعه ایفا می‌نماید. بر این اساس تکامل گرایی زن به معنی اهتمام به تربیت نسلی متعهد، انقلابی، کار آمد و تکامل طلب از طریق ایفای نقش بی بدیل و مهم مادری و علاوه بر آن از طریق ایفای مسئولیت اجتماعی آنان در بطن جامعه از طریق اثر گذاری بر انگیزش، اندیشه و رفتار افراد جامعه در اجتماع است. اهمیت این رسالت تاریخی به اندازه‌ای است که نظام سرمایه داری و جریان لیبرال دموکراسی نیز از موضوع زن به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل نفوذ در جوامع اسلامی و تحقق اهداف لیبرالی خود استفاده کرده و لذا در این راستا خانواده و در رأس آن زن را از طریق تبلیغ و گسترش سیاست‌های خانواده زدایی در جوامع مورد حمله همه جانبه قرار داده است و در گام اول کارکرد آنان را به عنوان یکی از ارکان بسیار مهم در عرصه خانواده و اجتماع به عنوان بازیگران نقش اول، تضعیف کرده و بر این اساس در سلسله سناریوهای خود، زدودن نقش‌ها و مأموریت‌های جنسیتی و مسئولیت‌های جهانی و اجتماعی زن در اجتماع را مورد توجه قرار داده‌اند؛ چرا که طبق متون دینی اسلام و نظر امام (ره)، از یک سو سهم و تأثیر زن در تربیت بشر بسیار قابل توجه بوده، چنان که امام خمینی (ره) صلاح و فساد جوامع را وابسته به صلاح و فساد زن دانسته‌اند. از سوی دیگر نقش مهمی که زنان در تغییر موازنه قدرت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در مقیاس جهانی ایفا می‌نمایند مورد تأکید است. با توجه به تهدیدهای عنوان شده، فرصت پیش روی نظام جمهوری اسلامی وجود منبع غنی و ناب اسلامی است که باید بتوان کلیدی‌ترین عنصر جامعه را جهت دهی، کنترل و هدایت نماید. تنها در چنین صورتی است که می‌توان ضمن فائق آمدن بر چالش‌های پیش روی نظام و مقابله با بسیاری از تهدیدهای فرهنگی - اجتماعی پیش رو طبق تأکیدات مقام معظم رهبری با ارائه الگو جامعه اسلامی در رابطه با تمامی ابعاد وجودی خانواده و زن مسلمان در مدیریت تحولات جهانی نقش فعال و مؤثری ایفا نمود. در نظام برنامه ریزی اسلامی، مدیریت خانواده برعهده شوهر است. مرد مکلف به تأمین مخارج خانواده و مصالح آن است و حتی زن در صورت کسب درآمد هیچ گونه تکلیفی درازای تأمین مخارج خانواده ندارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که در رویکرد دینی

برمسئولیت اجتماعی زنان تأکید شده اما اشتغال زن تکلیف به شمار نمی‌رود بلکه تنها حق اوست. بعضاً اشتغال زنان به عنوان راهی برای ایفای مسئولیت اجتماعی و یا تحت شرایطی برای تأمین اقتصادی خود و یا فرزندان (مانند زنان سرپرست خانوار) اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. از آن جایی که نظام برنامه ریزی کلان کشور مبتنی بر قانون اساسی و موازین اسلامی می‌باشد، لذا اتخاذ تمهیدات سیاستی و قانونی بر مبنای ایدئولوژی رفاهی اسلام به ویژه در حوزه اشتغال زنان امری ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- استیری، ل؛ تفضلی، ح؛ سلطانی، ع. (۱۳۹۸). جایگاه اشتغال زنان در سیاست‌های کلان کشور بعد از انقلاب اسلامی. سال سیزدهم، شماره ۴۶.
- العبد الخافی، س؛ بحرینی، م (بی تا). جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام. پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره پنجم.
- امینی، س. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی وضعیت اجتماعی زنان در دولت‌های دو دهه اخیر. فصل نامه علوم اجتماعی، شماره ۷۵.
- آل کجباف، ح. (۱۳۸۵). بایدها و نبایدهای قانونی اشتغال زنان. مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۴.
- حکیم پور، م. (۱۳۸۴). حقوق زن در کشاکش سنت و تجد. چاپ دوم، نغمه نو اندیش، تهران، ایران
- دشتی، م. (۱۳۷۲). نهج الحیاء. جلد اول، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ایران
- دهخدا، ع. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. جلد اول، چاپ دوم، دانشگاه تهران، تهران، ایران
- رهبری تسندی، ف. (۱۳۸۰). زن، توسعه و تعدد نقش‌ها. چاپ اول، برگ زیتون، تهران، ایران.
- سلیمانی، م. (۱۳۹۰). اسلام و اشتغال زنان. فصل نامه‌ای در عرصه مطالعات زنان و خانواده، شماره ۸.
- طباطبایی، م. (۱۴۳۰ ه.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. جلد چهارم، انتشارات اسلامی، قم، ایران.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۸). حقوق مدنی خانواده جلد اول.. چاپ سیزدهم، انتشارات گنج دانش، تهران، ایران.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۸). حقوق مدنی خانواده جلد اول.. چاپ سیزدهم، انتشارات گنج دانش، تهران، ایران.
- گائینی، ف. (۱۳۸۵). ارزیابی وضعیت زنان در آموزش عالی ده ساله اخیر. چاپ اول، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران، ایران.
- محمدی ری شهری، م. (۱۳۸۹). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث. ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ دوم، موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، قم، ایران
- نورحسین فقیده، ط. (۱۳۷۹). حقوق زن در قرآن و عهدین. چاپ اول، فرهنگ گستر، تهران، ایران
- نوری، ی. (۱۳۸۵). حقوق زن در اسلام و جهان. چاپ ششم، نوید نور، تهران، ایران.

- هادی‌زاده، ج. (۱۳۸۵). اشتغال زنان و نقش آن در توسعه کشور. مجله دانش پژوهان، شماره نهم.
- حقیقت گو، م. (۱۳۸۴). تحصیلات دختران، سندی ماندگار و مایه افتخار (عملکرد ۲۵ ساله آموزش و پرورش، آمارها و مقایسه‌ها با دیگر کشورها). پیام زن (ویژه نامه زنان در جمهوری اسلامی ایران - دفتر سوم)، ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هنری، سال چهاردهم، شماره یکم.

